

رمانهای کوتاه سهمانه



www.romankade.com



طراحی و صفحه آرایی : رمان های عاشقانه

آدرس سایت : www.Romankade.com

کانال تلگرام @romankade_com

تمامی حقوق این کتاب نزد رمان های عاشقانه محفوظ است

(اما خدا نخواییده بود !)

-حالا چی میشه؟

*بلاتکلیفم .

_تکلیف من با جسدت چیه پس؟

*میدونی خدام توی همین مونده! فکر کنم خجالت کشید که من همیشه آواره ام...

_هی گفتم یه ندا بهش بده، گوش نکردی هیچ وقت...

*ندا دادم. صداش کردم. داد زدم . اتفاقا بیدارم بود ولی اینجا نبود. سرش گرم بود !

_مگه میشه؟ پس کجا بود؟

*آره شد. سرش گرم بود اون سر دنیا.

نگاه نگرانش میچرخید روی اون آدم مستی که از فرط خوشی زیادی که زده بود زیر دلش، خودشو

پرت کرد تو آبهای ونیز...

_یعنی اینقدر بی خبر بود ازت؟!

*از اینم بیشتر. آخرین بار سقوط کرده بودم ته بدبختی و مردم . قایق ما به ساحل امنی نرسید...

روی آرامشو هیچ وقت ندیدیم . بچه های کوچیک و بی گناه می افتادن توی آب وجلوی چشمام

جون میدادن. ما آواره بودیم...

اون فقط مواظب آدمای خوشبخت اون ور دنیا بود...

=====

(غم آخر باشد!)

/غم چندمی؟-

/ آخری *

/!آخ آخ پس ته تغاری هستی و لوس-

هه... نه بابا شنیدی که میگن *

"به ما که رسید، آسمون تپید"

!مصدق بارز احوال منه! همه به هم دیگه فقط تعارف میزدن که "غم آخرت" باشه

/...الکی مثلا هوامو داشتن

/چرا خب؟-

وقتی من هر روز رشد کردم و بزرگتر شدم *

.به زمان پیری دنیا رسیدم و حوصلمو نداشت! تو گلوش باد کردم

اونم که سنی ازش گذشته بود، دیگه طاقت نیارود

/!چنان سرفه خشک و وحشتناکی زد که هنوزم آثارش هست

/اوه جدی؟-

!آره دهانش باز شد و کل منو پاچید توروزگار آدما*

!اینه که همه منو لعنت کردن... که خیر نیبم

...اسم گذاشتن روم، بچه ناخلف دنیا

=====

(در ذهنهای دود گرفته غوطه وریم...)

بهتر است به ماهی که حافظه ۸ ثانیه ای دارد خنگ نگوییم یا به آدمهایی ک در میان سختی ها سعی

میکنند خیلی زود مسائل روزمره را فراموش کنند نگوییم بی خیال!

حتی اگر هم بی خیالی باشد بعضی وقتها شرف دارد

به اینکه مغزمان در این وانفسا بترکد یا وجدان،
 درونمان را هی بجود از اینکه
 چرا فلان جا جواب فلان کس را آنطور که باید ندادیم!
 مثالش همین دیروز وقت خرید سبزی از آن نیمه آماده ها بسته ای ۲۵۰ تومان!
 سبزی هایم را جدا میکردم و در کیسه میگذاشتم
 خانم دیگری مدام گلایه می کرد به پسرک افغان فروشنده:
 که چرا گرانتر میشود اما سبزی ها کوچکتر از قبلند؟!
 بعد رو به من گفتم: درست نمیگم خانم؟ سروته سبزی ها رو زدن...
 من حواسم به انتخاب هایم بود و راستش زیاد حوصله حرف زدن نداشتم
 برای همین سرسری تایید کردم و گفتم بله نسبت به اوایل کوچیک شدن!
 آن خانم به حرف من هم اعتراض کرد: اوووو اوایل که هیچی
 نسبت به همین چند روز گذشته هم خیلی کوچکتر شده!
 تنها سر تکان دادم. پول سبزی ها را حساب میکردم. باقی مانده اش ۱۰۰۰ تومان شد که پسرک
 داد.
 قبل از راه افتادن صدای خانم محترم را دوباره شنیدم: ای وای پسر جون من تراول دارم میتونی خرد
 کنی؟
 نگاهم افتاد به لبخند رنج آلود و معنادار پسرک بعد از شنیدن آنهمه سرزنش...
 خانم: اگه نمی تونی هم، از اینجا رد میشم برات پولشو میارم قبولم که داری؟؟؟
 راه افتادم به سمت خانه. دیگر نفهمیدم نتیجه چه شد
 اما در مسیر تا رسیدن، همه درونم گاز گاز شده بود: تو چند روز خرید رفتی اصلا؟!
 بازار بینم از این سبزی فروش دورگرد کی خرید کردی؟!
 اصلا یادت میاد قبلا بسته سبزی ها چه شکلی بودن؟ چقدر بزرگتر؟ چقدر ارزونتر؟
 آدم مثلا با انصاف وقتی نمیدونی جواب اینارو
 بیخود کردی حرف خانم رو تاییدی کردی...
 بابا سکوت میکردی لااقل.
 میمردی زبون به دهن بگیری فقط یه لبخند ژکوند بزنی؟ هان؟؟؟

ندای درونم مدام میگوید و پُتک اش را می کوبد.
 اجازه اعتراض ندارم!
 حق با اوست و من معترفم به اشتباهم.
 گاهی ناخواسته و بدون تفکر
 در قضاوت و حکم ناعادلانه کسی در حق دیگری شریک میشویم!!!
 بعد میگوییم ما ک قضاوت نمیکنیم بقیه را.
 این از خودِ قضاوت کردن هم برای روابط و جایگاه انسانها، می تواند خطرناکتر و سمی تر باشد...

=====

(جان جنون)

- از کی فهمیدی مثل قبلنا نیست؟

از همون وقتی که دیگه تو آینه جواب سلاممو نمیداد*

مگه شما با هم حرف میزدین؟ -

آره خیلی. دوست شده بودیم. آخه خیلی مهربون بود! من مینشستم این ور آینه و اون مینشست*
 اون ور. بیچاره خودش لال نبود، اتفاقا وقتی حرف میزد لباشم تکون میخورد ولی صداش لال شده
 ! بود انگاری

پس چجوری باهم حرف میزدین؟ -

با چشاش. توچشاش همیشه کلی حرف بود. تازه،*

.گوشتو بیار جلو یه چیزی بگم

...باشه-

بالا خونه رو اجاره داده یعنی چی؟ *
کی همچین حرفی زده؟ -

از بقیه شنیدم. یه مدتی بود نزدیک هم میشدن و یواشکی پچ پچ میکردن و میخندیدن و میگفتن : *
" بیچاره بالا خونه رو اجاره داده

بعدم زنگ زدن و اومدن بردنش یه جایی که اسمش الان یادم نیست ولی خیلی گریه میکرد.
نمی خواست بره. میگفت اونجا کسی دوشش نداره. لباساشون بوی نا و غصه میده! میگفت هرروز
یه خانمی که لباسش سفید بود بهش قرصای بدمزه و تلخ میده
میگفت مته زهرماره! زهر مار چه جوریه؟!
میگم یعنی کار بدی کرده بود که بردنش اونجا؟

نه هیچ کار بدی نکرده بود. اون طفلی آزارش به هیچ کس نرسیده بود. فقط زیاد فهمیده بود از -
... این دنیای بی رحم و بدرد نخور

آهان هرکسی زیاد بفهمه میگن بالا خونه رو اجاره داده؟ بعدم میبرن و قرص زهرمار باید *
!بخوره؟

...آره ... چون هیچ کسی درد اونا رو نمیفهمه. هیچ کسی دیگه اونا رو نمیخواه -
بعد از اینکه از اینجا رفت دیگه ندیدیش؟

اووو چرا دیدم. فرار کرده بود. اون روز قبل از مُردنم، دیدم تو آینه برگشته. زدم آینه رو *
شکوندمش، خیلی خوشحال شد. زودی اومد بیرون. کلی باهم حرف زدیم و کیف کردیم و
...خندیدیم. چشاش برق میزد. بعدشم از پله های بالکن رفتیم پایین

!!!پله های بالکن؟؟؟ اما بالکن که پله ای نداره -

چرا داره. مگه نمیبینی؟ اوناهاش تا آسمونم بالا رفته... *
آواز میخوندیم و جیغ میزدیم و میخندیدیم به اونایی که از پایین نگامون میکردن و بالا خونه
هاشونو اجاره نداده بودن

ولی نمیدونم چرا اونا که می دیدن ما رو ، داشتن گریه میکردن... تو میدونی؟

... آره میدونم... میدونم. بالکن پله ای نداره بمیرم برات... بمیرم برات عزیزکم -

ا توام که داری گریه میکنی! *

بخاطر این پله ها گریه میکنی یا بخاطر اون آدما؟

. بین اینها صدتا پله اینجاس، خیلی ام نرم و بزرگه به خدا! بین دروغ نمیگم

ما دست همو گرفته بودیم و از همینجا تند تند رفتیم پایین... فقط پله آخرو ندید یهو خوردیم

...زمین

!چراگریه میکنی؟ گریه نکن من اینجا دلم می گیره ها

...بمیرم... بمیرم که چه دردی کشیدی طفلکم-

من دردم نیومد که گریه نکن... رو زمین دراز کشیده بود. منم دراز کشیدم *

!!! بهش گفتم: من سردمه، زمین خیس! آخه همه جا قرمز شده بود

گفتم لباس نوعامون کثیف میشه. ولی اون گفت عیبی نداره؛ بین عوضش زمین زیرمون گرم گرمه

...

راست میگفت. زمین خیلی گرم بود... دستمو گرفت و گذاشت رو قلبش. گفت الان خودتم گرم

!میشی

...راست میگفت قلبشم داغ بود... زیر سرم خیس خیس بود اما تنم گرم شد. دیگه سردم نبود

دیگه کسی کارمون نداشت. کسی بهمون نمی خندید. هیچ صدایی نمی اومد...

اینقدر همه چی آروم و خوب بود که منم همونجا خوابیدم

این رمان رمان اختصاصی سایت و انجمن رمان های عاشقانه میباشد و تمامی حقوق این اثر برای

رمانهای عاشقانه محفوظ میباشد .

برای دریافت رمانهای بیشتر به سایت رمان های عاشقانه مراجعه کنید .

www.romankade.com